

حق جواب و آزادی مطبوعات

از: دکتر محمد رضا عسکری

درس حقوق مطبوعات که از پنج سال پیش بطور انحصاری بوسیله دکتر عسکری در دانشگاه تهران تدریس می‌شد، از آغاز سال تحصیلی جاری در برنامه دانشجویان سالیهای سوم موسسه عالی علوم ارتباطات جمعی قرار گرفته است. در این درس گذشته از شرح قانون مطبوعات و قوانین و مقررات مربوط به فعالیتهای مطبوعاتی و تجربه و تحلیل آزادی مطبوعات و مباحث آن سعی می‌شود دانشجویان روزنامه‌نگاری و روابط عمومی با مباحث حقوقی و چگونگی استدلال و تفکر منطقی آشنائی بیشتر پیدا کنند.

آنچه اینک بنظر شما می‌رسد مقدمه بحث مربوط به حق جواب است در حقوق مطبوعات و چون در حال حاضر در بسیاری از کشورهای غربی لزوم برقراری حق جواب در مورد برنامه‌ها و اخبار رادیویی و تلویزیونی نیز مورد بحث قرار گرفته، این گفتگو در نشریات اختصاصی روزنامه نگاری در صف مسائل روز در آمده است.

سلامت و صواب را ندارد که دموکراسی واقعی بتواند بر آن تکیه کند بنابراین روزنامه از خلال آراء و عقاید و بحث‌های رنگا رنگ و متنوعی که انتشار میدهند در ایجاد و تربیت عقیده مردم نسبت بسائل عمومی نقش اساسی و مهم دارند.

رسالت برجسته و شاخص مطبوعات در نظام دموکراسی در همین دو نکته خلاصه میشود که باختصار شرح آن آمد: یعنی اخبار و آگاه ساختن مردم Information و دیگر تربیت و ارشاد افکار مردم (Education)

مطبوعات برای اینکه بتوانند این دو وظیفه مهم را بانجام رسانند باید بتوانند شور از اختناق و اجبار و بی‌آنکه با محدودیت‌های زائد دست و پایشان بسته شود اظهار نظر و عقیده نمایند. بنابراین آزادی مطبوعات برای اینکه چرخ امور از نظر سیاسی در رژیم دموکراسی بخوبی گردش کند جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر دموکراسی است. اما آزادی مطبوعات بدون خطر نیست و گاهی این خطر بمرحله‌ای میرسد که سلامت آسایش و امنیت جامعه را در معرض تهدید قرار میدهد.

در ایران ما خود در سالهای پر آشوب پس از جنگ بین‌المللی دوم شاهد عواقب نا مطلوب و آثار زننده و شرم آور سوء استفاده از آزادی مطبوعات بودیم و این آزادی آنقدر بوسیله ماجراجویان و دلالانی که متأسفانه در کسوت روزنامه نگار ظاهر شده بودند بعنوان وسیله‌ی برای تحقق مقاصد خاص و تهدید و ارباب افراد و اخذی و فحاشی بکار برده شد که هر کس آن هرج و مرج و لگام گسیختگی را میدید بی‌اختیار با «رومن رولان» متفکر انقلابی بزرگ فرانسه همصدا میشد که «ای آزادی چه جنایتها که بنام تو مرتکب نمیشوند!»

سوء استفاده از آزادی مطبوعات اختصاص بکشور ما ندارد. اهمیت این مسئله در قرن بیستم در سراسر گیتی مورد توجه قرار گرفته است زیرا با توسعه روز افزون وسائل ارتباطی و پیدایش مطبوعات کثیرالانتشار (تیراژهای بیش از یک میلیون) بخش سریع و آنی خبر بوسیله امواج رادیو در سراسر جهان برنامه‌های سیستم

بقاء و حفظ نظام دموکراسی واقعی بدون آزادی مطبوعات ممکن نیست. آزادی مطبوعات و دموکراسی لازم و ملزوم یکدیگرند. وقتی دموکراسی نباشد آزادی مطبوعات معنی ندارد و بدون آزادی مطبوعات دموکراسی حقیقت نخواهد یافت.

هر موجودی که در جامعه‌ای زندگی میکند برای اینکه از حقوق سیاسی خود برخوردار شود و رأی او در اداره حکومت و تعیین سرنوشت و آینده او و کشورش واجد ارزش و اعتبار باشد باید تا آنجا که ممکن است بیشتر و دقیق‌تر و مثبت‌تر باخبر شود. آگاه ساختن فردی که در جامعه‌ای زندگی میکند از امکانات او، از آنچه در اطرافش میگردد و از مشخصات و چگونگی زندگی و ترقیات دیگر جوامع بشری تنها کافی نیست. اخبار حوادث و وقایع سیاسی اجتماعی اقتصادی و غیره را صرفاً در معرض آگاهی خوانندگان روزنامه و شنوندگان رادیو و یا بینندگان تلویزیون قرار دادن نمیتواند وظیفه مطبوعات را در رژیم دموکراسی مختومه بحساب آورد. خواننده، شنونده و یا بیننده عادی همیشه نمیتواند از این اخبار و تحولات و وقایع درس و نتیجه لازم را اتخاذ کند. این وظیفه روزنامه نگار است که با تجزیه و تحلیل وقایع و بررسی اخبار فکر و عقیده خواننده را بآن جهت که گمان می‌برد بمصلحت عمومی است هدایت و رهبری کند. تعدد وجود روزنامه‌ها در رژیم دموکراسی موجب تنوع عقاید و افکاری میشود که نسبت بتحولات و وقایع مهم ابراز میگردد و در نتیجه چون خواننده روزنامه تنها با یک فکر و یا یک نظر روبرو نشده که همان بر مغز او تحویل شود میتواند از میان افکار و عقاید مختلفی که در نتیجه رنگا رنگ بودن سلیقه‌ها و نظرها پدید آمده آنچه را بیشتر می‌پسندد برگزیند و این همان راهی است که پایه و اساس دموکراسی واقعی را بوجود می‌آورد. زیرا در یک رژیم مطلقه هم ممکن است بسیاری از مردم با روش و سبک حکومت موافقت پیدا کنند اما این موافقت معلول تحمیل یک فکر واحد و یک نظر واحد بر افکار آنها باشد زیرا با دیگر افکار و نظرها نتوانستند آشنائی پیدا کنند و بعبارتی دیگر در برابر خود فرصت انتخابی نداشته‌اند و بنابراین چنین رأی آن

Eurovision که بوسیله آن یک برنامه در آن واحد بروی صحنه همه تلویزیونهای اروپائی پخش میگردد و مقدمات ایجاد سیستم **Mono Division** (با استفاده از اقمار مصنوعی) که بابکار افتادن آن در یک لحظه یک برنامه تلویزیونی در روی همه برنامههای تلویزیونی جهان ظاهر میشود پدیده خیر روز بروز بیش از پیش عالمگیر و غول آسا میشود. وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون) با این تجهیزات عظیم فنی و وسائلی که برای انتشار در اختیار دارند واقعا در برابر یک فرد عادی کوچک و بازار بصورت هیولای تنومند و مقتدری در آمدهاند. مطبوعات کثیرالانتشار شعاع پخش و نفوذشان در سراسر جهان منظمآ رو بگسترش و توسعه میرود در یک لحظه می توانند یک فرد عادی را از گمنامی محض باوج اشتهار و معروفیت برسانند و یا اینکه در خلال چند دقیقه آبرو و شرافتی را که فردی یک عمر برای کسب آن رنج کشیده در انتظار عامه لکه دار سازند.

در بسیاری از کشورهای غربی روزنامهها و مجلاتی انتشار می یابد که از نظر اهل فن به نشریات «جنجالی» معروفند. نتیجه ذوق خاصی که گردانندگان این قبیل نشریات بکار می برند گاهی حتی آنها را که از بر حرارت ترین مشتاقان رژیم دموکراسی بشمار میروند خشمگین و ناراحت میسازد.

با توجه بهمین رویه های افراطی بود که چند سال پیش روندلف چرچیل طی مقاله ای در نشریه معروف «اسپکتاتور» نوشت: سوء استفاده هایی که از قدرت مطبوعات میشود موجب شد که بسیاری از مردم آرزو کنند یک آزادی و یا نجات شمی هم به پنج آزادی معروف روزولت اضافه شود: آزادی و یا نجات از مطبوعات **Freedom from the Press** یعنی همانطور که رئیس جمهوری فقید آمریکا آزادی هائی نظیر آزادی از فقر آزادی از جهل و یا آزادی از بیماری در نظر گرفته بود یک آزادی دیگری هم تأمین نشود موسوم با آزادی از چنگ مطبوعات!

حمایت از افراد در برابر مطبوعات - چون همیشه این احتمال وجود دارد که مطبوعات از قدرت فوق العاده عظیم خود سوء استفاده کنند بنابراین قانونگذار برای حمایت فرد در برابر مطبوعات باید تدبیری بیاندیشد. حرمت و مصونیت زندگی خصوصی افراد قبل از هر چیز با تدابیر کیفری تأمین شده است. اگر روزنامه و یا نشریه ای خواست از این دیوار و مرز زندگی خصوصی بگذرد ناشر و مسئول آن را می توان بعنوان مفتزی و یا از طریق اقامه دعوی توهین تحت تعقیب قرار داد. بعلاوه دادستان در موارد مختلف می تواند نشریه را با اتهام جعل اکاذیب و یا انتشار اخبار مینوعه و غیر مجاز تعقیب کرده و بدینوسیله نیز از حرمت زندگی خصوصی افراد دفاع و حمایت نماید.

اما در کنار این وسائل تعقیب کیفری فردی که مورد تعرض مطبوعات قرار میگردد وسیله دفاع احتیاطی دیگری در دست دارد که غالباً با توجه بطبیعت تجاوزی که باو شده مناسب تر و عملی تر برای اعاده حال بصورت قبل از تعرض بنظر میرسد: در بسیاری از کشورهای قانونگذار حق جواب و یا تصحیح را در قوانین پیش بینی کرده است. افرادی که در یک روزنامه حق مالی و یا حق معنوی ایشان مورد تعرض قرار گرفته می توانند روزنامه را بترمیم خسارات وارده مجبور سازند بدین ترتیب که در همان روزنامه که از ایشان اسم برده مطالبی را که بر ضدشان نشر یافته بود رد کنند. بدین ترتیب فرد می تواند علناً بتوهین و یا افترائی که نسبت باو شده اعتراض نماید و کلیه اخبار و مطالب اشتباه آمیزی را که راجع بشخص او انتشار یافته تکذیب و رد کند.

حق جواب از نظر نفس عمل اخبار هم که یکی از رسانتهای عمده و اساسی مطبوعات امروز است از اهمیت زیادی دارد. غالباً

دید شده که خبری بطور ناقص در روزنامه ای انتشار می یابد و افراد با استفاده از حق جواب در مقام توضیح و رفع اشتباه بر می آیند و در نتیجه این توضیح و یا توضیحات خبر مهمی که تا آنوقت بر خواننده مجهول و یا گنگ و مبهم مانده بود کاملاً روشن میشود و به آگاهی عامه میرسد.

پس حق جواب و یا تصحیح دو جنبه دارد: از طرفی وسیله دفاع افراد در برابر حملات مطبوعات بشمار میرود و از جانب دیگر وسیله ای برای تکمیل و روشن ساختن اخبار مبهم و ترمیم و تصحیح اشتباهاتی است که احياناً در اخبار روی میدهد. دادگاه شهر «روان» Rouen در فرانسه در رای مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۴۸ خود حق جواب را اینطور تعریف کرده است «حق هر شخصی که در خلال یک مقاله روزنامه معین و یا از او اسم برده شده برای شناساندن توضیحات و یا اعتراضاتش در اطراف کیفیات و شرایطی که موجب ذکر اسم و یا تعیین او گردیده است.»

مفید بودن حق جواب دلیل آن نیست که در همه کشورها چنین حقی بصورت مشکل وجود داشته باشد. قانونگذاران آنگلو - ساکسون همیشه با اصل حق جواب مخالفت کرده اند زیرا معتقدند که حق جواب با دو حق دیگر تعارض و تراحم دارد یکی حق آزادی مطبوعات و دیگری حق مالکیت روزنامهها.

از طرفی حق جواب و تسک بدان تا حدودی آزادی مطبوعات را مقید و محدود میسازد و از جهت دیگر با توجه باینکه الزام و اجبار روزنامه نگار بدرج مقاله و یا لایحه ای بصورت مجانی در روزنامه یک نوع تجاوز بحق مالکیت روزنامه میباشد و مانند اینست که شما صاحب خانه ای را مجبور کنید که یک و یا دو اطاق از خانه ملکی خود را برای یک مدت در اختیار شخص ثالثی بگذارد تا او از آن به دلخواه خود منتفع شود.

لیکن در کشورهای که حق جواب را در نظام حقوقی خود پذیرفته اند و بخصوص در انگلستان قانونگذار این نقص و کمبود را از طرق دیگر جبران کرده است و بعبارت صحیح تر چون نقیصی احساس نگردیده ضرورتی برای تأسیس حق جواب هم پیدا نشده است. علت اینکه بدون وجود حق جواب نقیصی در سیستم حقوقی انگلستان ملاحظه نشده اینست که بطور کلی افراد در انگلستان در برابر توهین و افترا بهتر و بیشتر در حمایت قانون قرار دارند تا کشورهای مانند فرانسه و ایتالیا و یا سوئیس. در بین کشورهای که اصل حق جواب و یا حق تصحیح را در قانون خود پذیرفته اند دو تمایل اساسی و یا دو مکتب در برابر هم قرار گرفته اند:

اول - مکتب آلمانی: قانونگذار آلمان و دیگر کشورهای که از این مکتب پیروی کرده اند تحدید حق جواب را پذیرفته اند: حق جواب در صورتی وجود می یابد و می تواند اعمال شود که یک خبر و یا اطلاعی را که موضوعاً نادرست بوده تکذیب کند. قوانین مطبوعاتی آلمان، اتریش، سوئیس و یوگوسلاوی از همین نظریه تبعیت نموده اند.

دوم - مکتب فرانسوی: قانونگذار فرانسوی حق جواب را بصورت موسع پذیرفته و سعی کرد تا افراد به کامل ترین شکل موجود در برابر تعرضات احتمالی مطبوعات حمایت شوند. بهمین دلیل از نظر مکتب فرانسوی حق جواب جنبه بسیار عام تری دارد تا آنجا که در بسیاری از موارد ذکر نام شخصی در ضمن یک خبر برای او حق جواب و توضیح ایجاد میکند.

نظریه فرانسه در تلقی حق جواب بصورت عام و نسبتاً نامحدود موجبات و جهات تاریخی دارد و نه تنها قانونگذار این تمایل را تصریح کرده بلکه محاکم فرانسوی هم نسبت باعمال هر چه بیشتر این حق نظر موافق داشته و دارند.